

بسم الله الرحمن الرحيم

«فترت آشکارشدن نهان‌ها و ریزش خواص»

هر سال ایام فاطمیه که می‌شود برخی از سایت‌ها و کانال‌های منسوب به بخشی از اهل سنت حوادثی را که در فاصله رحلت پیامبر عظیم الشان - صلی الله علیه و آله - تا شهادت فاطمه زهرا - سلام الله علیها- گذشت و در نهایت به شهادت حضرت کشیده شد، مورد انکار قرار داده و بالطبع امامان اهل بیت - علیهم السلام - و عالمان شیعه را که از مصیبت‌های نابحق رفته بر صدیقه طاهره سخن به میان آورده، در معرض تهمت قرار می‌دهند و این در حالی است که نقل مصائب مورد اشاره - به ویژه حمله به خانه صدیقه طاهره - از نقل‌های مسلم تاریخ و غضب حضرت از شخص خلیفه اول، مطلبی است که در متون معتبر و متعدد سنن آمده است.

(ر.ک: صحیح بخاری، ج 8، ص 185؛ همان، ج 4، ص 96؛ الامامة و السياسة، ج 1، ص 30؛ انساب الاشراف، ج 1، ص 586؛ المصنف، ج 8، ص 572؛ المعجم الکبیر، ج 1، ص 62؛ کنز العمال، ج 5، ص 632؛ العقد الفريد، ج 5، ص 21؛ تاریخ دمشق، ج 30، ص 430؛ مجمع الزوائد، ج 5، ص 203؛ و...).

به این بهانه راقم این سطور، نکاتی را بیان می‌کند:

1. گردانندگان این سایت‌ها و کانال‌ها توجه داشته باشند که عالمان مصلح امامیه هرچند به همگرایی مسلمانان و پرهیز از هرگونه اختلاف بین مسلمانان پای‌بندند و این را وظیفه مورد سفارش امامان معصوم خود میدانند، لکن هرگاه احساس کنند با سکوت خویش جای متهم و مدعی عوض می‌شود و مسلمات تاریخ زیر سؤال می‌رود، قهراً به دفاع از تاریخ گذشته خویش می‌پردازند و وقایع صدر اسلام را در معرض اطلاع نسل امروز قرار می‌دهند و البته در این صورت، نتیجه حاصله خوشایند شما حضرات نیست!

2. به راستی آیا فکر کرده‌اید چرا گذشتگان شما تحلیل تاریخ صدر اسلام و گزارش دادن از آن دوره زمانی را که دوران «آشکارشدن برخی نهان‌های غیر صالح و ریزش بخشی از خواص» بود، تحریم کرده‌اند؟!

(ملاحظه نمایید: قاعده «الامساک عما شجر بین الصحابة» و «الامساک عن الخوض فی ما شجر بینهم»/ر.ک: مجموع الفتاوی، ج4، ص 332؛ الصواعق المحرقة، ج2، ص 621؛ تطهیر الجنان و اللسان، ص 151؛ تسدید الاصابة فی ما شجر بین الصحابة، ج1، ص 121؛ منهاج السنة النبویة، ج6، ص 254؛ التحریر و التنویر، ج6، ص 221؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 16، ص 321؛ الابانة الکبری، ج6، ص 287؛ التوحید و العقیدة، ص 401؛ مقالات الاسلامیین، ج1، ص 294؛ فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، ج13، ص 34؛ اعتقاد اهل السنة، ج1، ص 177؛ و...).

واضح است با آشکارشدن حوادث آن دوران که مصیبت‌های روا انگاشته شده برصدیقہ طاهره - سلام الله علیها - بخشی از آن است، بسیاری از باورها زیر سؤال می‌رود؛ از این رو گذشتگان شما حکمت را در این دیدند - که برخلاف عقل و نقل - تحلیل تاریخ و کسب اطلاع از حوادث آن دوران را حرام بشمارند، حال چه شده است که شما کاری می‌کنید که افرادی ناچار شوند از آن حوادث بگویند و بنویسند و از مذهب و باور خویش دفاع کنند؟!

3. صاحب این قلم، شما - عالیجنابان - را توصیه می‌کند ایام فاطمیہ را به سکوت بگذرانید، از تفسیر، احکام، معاد، اخلاق و... بگویید؛ لکن وارد نقل آن دوره از تاریخ چه به اثبات (که به ضرر شماست) و چه به انکار نشوید که صلاح شما نیست.

4. در میان سنیان، هستند عالمان، اساتید، طلاب و دانشجویانی که اگر بر واقعیت واقف شوند، راه دیگری را طی می‌کنند؛ از این رو، محققان و متبعان را وادار نکنید تا از آن واقعیت‌های تلخ بگویند.

از ما گفتن بود و بس!

قم؛ حوزه علمیه؛ ابوالقاسم علیدوست

1404/08/28

1447 / 1ج/28